

روسیه و جمهوری آذربایجان؛ همسایگانی پر از تنش

گفت‌وگویی آقای حسن بهشتی‌پور با ایراس

عادلی/خبرگزاری آران

روسیه و جمهوری آذربایجان؛ همسایگانی پر از تنش

گفت‌وگویی آقای حسن بهشتی‌پور با ایراس

روابط روسیه و آذربایجان در دو دهه پس از استقلال باکو از شوروی سابق به دلایلی همچون، نزدیکی آذری‌ها به غرب، تنش با ارمنستان و روابط حسنه میان روس‌ها و ارمنه، بازار انرژی و ترانزیت آن گاهی تنش آلود و در نقطه‌ی مقابل، گاهی همکاری‌ها و همگرایی این دو کشور قابل توجه بوده است. در این میان ما کوشیدیم تا با طرح گفتگویی با حسن بهشتی‌پور، کارشناس ارشد مسائل قفقاز به اختلافات در روابط خارجی این جمهوری با مسکو، اهداف و نگاه این کشور به روسیه و متغیرهای دخیل در روابط دو کشور بپردازیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

روابط روسیه و آذربایجان تا چه حدی تحت تاثیر ورود و حضور بازیگران فرا منطقه‌ای در آذربایجان است؟

در دوره بعد از فروپاشی شوروی در دوره‌ای که ایلیچی بیگ توانست قدرت را بدست گیرد جای پای غرب در آذربایجان باز شد. گرایش‌های ملی‌گرایانه ایلیچی بیگ باعث نزدیکی به ترکیه و امریکا بر ضد ایران و روسیه بود. بعد از شکست ایلیچی بیگ در انتخابات ۱۹۹۳ و قدرت گرفتن علی‌اف، باکو به دنبال سیاست برقراری موازنه مثبت در روابط جمهوری آذربایجان با روسیه و امریکا بود.

در این دوران باکو تلاش کرد با دادن امتیازهای نفتی به روسیه و امریکا هم مساله قره باغ را به نفع خود حل کند و هم امکانی برای توسعه اقتصادی آذربایجان بدون ایجاد تعارض منافع بین واشنگتن و مسکو به وجود آورد. اما در عمل مساله قره باغ پیچیده تر شد با آنکه آتش بس بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان برقرار شد اما هجده سال است که حالت نه جنگ و نه صلح در مناطق اشغالی برقرار است. در این میان هرچند در سایه دادن امتیازهای نفتی به غرب رشد اقتصادی در جمهوری آذربایجان بوجود آمد، اما غرب و روسیه در مورد مواضع حمایتی از ارمنستان تجدید نظر نکردند. به طوریکه هنوز در حدود ۲۰٪ خاک جمهوری آذربایجان اشغال است.

با جانشینی الهام علی‌اف بجای پدرش تمایل برای گسترش رابطه با غرب بیشتر شد و وی فاصله بیشتری از روس‌ها گرفت. این مساله در سال‌های اخیر بیشتر به چشم می‌خورد. شاید دلیل این امر تثبیت موقعیت روسیه در ارمنستان بود. همچنین باکو در سایه تحولات گرجستان تصور می‌کرد می‌تواند با نزدیک شدن به امریکا از تکرار انقلاب‌های رنگی در آذربایجان جلوگیری کند. لذا امریکا با علی‌اف به تفاهم رسید و از دور دوم ریاست جمهوری او روابط با غرب بیشتر شد.

پس از جدایی رسمی آبخازیا و اوستیای جنوبی از گرجستان در نتیجه جنگ سال ۲۰۰۸ با روسیه، باکو دریافت باید در تحولات جدید قفقاز احتیاط بیشتری کند به همین دلیل در جریان سفر مدویدیف، رئیس جمهوری وقت روسیه در سال ۲۰۰۹ قراردادهای جدید نفت و گازی بین روسیه با آذربایجان شکل گرفت. از این زمان باکو نگاهی جدید را در مناسبات با روسیه در پیش گرفت که نوعی تعامل توأم با احتیاط است. در همین حال علی‌اف سعی داشت با نزدیک شدن به روسیه مانعی برای گسترش روابط با امریکا و اتحادیه اروپا ایجاد نکند.

تشدید همکاری‌های سیاسی و اطلاعاتی-امنیتی آذربایجان با ایالات متحده (وبویژه اسرائیل) و عضویت باکو در سازمان‌های یورو-آتلانتیکی تا چه میزان موجب تشدید حساسیت‌ها در محافل سیاسی، اطلاعاتی و امنیتی روسیه شده است؟

بطور کلی می‌توان گفت به موازات به قدرت رسیدن الهام علی‌اف افول نفوذ روسیه در باکو با رشد بیشتری نسبت به اوایل دهه ۹۰ میلادی آغاز شد. و به موازات آن موقعیت محافل غرب‌گرا تقویت شد. بطوری که آخرین مورد آن را هم تعطیل شدن پایگاه قبله در جمهوری آذربایجان بود که می‌توان گفت آخرین میراث برجای مانده از شوروی سابق در این کشور از بین رفت.

در این شرایط روسیه از یک سو همچنان امیدوار است که بتواند روابط خود را با باکو در زمینه نفت و گاز توسعه دهد و از سویی هم نگران توسعه نفوذ غرب در این کشور است. برای روس‌ها مهم است که در این شرایط باکو پایگاهی نظامی را در اختیار غرب قرار ندهد و وارد ناتو نگردد. در همین حال برای توازن بخشی در مناسبات با باکو، مسکو از پارامترهای فشار خود بر جمهوری آذربایجان هم استفاده می‌کند. چنانچه اخیراً هم در مسکو لزگی‌های مقیم در روسیه (که ثروتمند هم هستند) با حمایت پوتین تشکل جدیدی ایجاد کرده‌اند و موجب نگرانی باکو شده‌اند. یعنی روسیه تلاش می‌کند تا از عوامل فشار در بزنگاه‌ها بر ضد منافع باکو بهره برد.

با توجه به اتمام موعد قرارداد اجاره پایگاه قبله در نهم دسامبر ۲۰۱۲، روسیه با ارسال یادداشتی توقف فعالیت این پایگاه را اعلام کرده است. در این حال با نظر داشت شکست مذاکرات باکو و مسکو درباره تمدید اجاره پایگاه قبله نقش این پایگاه راداری در آینده روابط دو کشور تا چه میزانی است؟

تعطیلی این پایگاه هر چند تا حدی از اقتدار و نفوذ روسیه می‌کاهد، اما روس‌ها در مقابل این امر اعلام کرده‌اند که قرار است پایگاه راداری جدیدتری در منطقه ایجاد کنند. یعنی با رد درخواست ۳۰۰ میلیون دلاری باکو برای تمدید اجاره پایگاه قبله، می‌خواهند پایگاه راداری جدیدی در قفقاز ایجاد کنند.

راهبرد باکو کاهش تدریجی نفوذ روسیه بدون برانگیختن حساسیت مسکو در خاک خود است. از این جهت از تعطیلی پایگاه راداری قبله استقبال می‌کند و بدون تردید این امر تاثیر منفی‌ای در روابط دو کشور می‌گذارد. در جریان سفر وزیر دفاع باکو به مسکو به نظر می‌رسد یکی از موضوعات مذاکرات ایستگاه رادار قبله باشد. اما من فکر می‌کنم باید پرونده قبله را بست. در این حال برای مسکو مهم است که در مقابله با سامانه موشکی امریکا در ترکیه و رومانی او نیز در قفقاز مانند آن را داشته باشد تا فعالیت‌های غرب را رصد کند.

نقش جمعیت روس تباران ساکن جمهوری آذربایجان و نقش آذری‌ها در روسیه (برخی ارزیابی‌های کارشناسی تعداد آنها ۱.۵ تا ۲ میلیون نفر تخمین زده شده است) در روابط دو کشور تا چه حدی است؟

روس تبارهای جمهوری آذربایجان در دهه‌های گذشته هم در اقتصاد و سیاست نقش تعیین‌کننده تری داشتند ولی اکنون موقعیت‌شان تضعیف شده است و مانند سال‌های گذشته نیست. برعکس آذری‌های مقیم روسیه فعالیت‌های گسترده‌ای دارند و منافع مالی خود را به جمهوری آذربایجان برمی‌گردانند. آذری‌های مقیم روسیه هم با راست‌های افراطی روس درگیر هستند. در این حال اکنون روس‌ها تلاش می‌کنند تا تشکیلات نوینی در بین ناراضیان مقیم روسیه ایجاد کنند و از این امر به عنوان عاملی فشار برای روابط خود با باکو بهره‌برند. باکو این موضوع را به خوبی می‌داند اما در مورد این مشکل هم تا حدی از سوی باکو اغراق می‌شود و فرهنگی هم در جمهوری آذربایجان وجود دارد و مشکلات این کشور را به گردن ایران، روسیه و سایر کشورهای خارجی انداخته و به حل مشکل نمی‌پردازند. گذشته از این باید گفت منافع اقتصادی آذری‌های روسیه برای جمهوری آذربایجان مهم است و در مقابل روس تبارهای ساکن جمهوری آذربایجان نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین جهت‌گیری‌ها ندارند.

برخی کارشناسان معتقدند نگرانی باکو از تحرکات مسکو درباره اقلیت‌های لزگی و تالشی جمهوری آذربایجان و استقرار نیروهای نظامی در مرزها در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۳ چشم اندازی خطرناکی است. از دیدگاه شما روابط روسیه و جمهوری آذربایجان در کوتاه مدت و بلندمدت به چه سویی جهت خواهد یافت؟

نخست اینکه حمایت از اقلیت‌های قومی لزگی‌ها و تالشی‌ها برای توازن بخشی به روابط مورد استفاده روسیه قرار می‌گیرد. یعنی اینکه روسیه حاضر نیست روابط خود با باکو را فدای حمایت خود از اقلیت‌هایی همچون تالشی‌ها و لزگی‌ها در جمهوری آذربایجان کند و این موضوع را هم اقلیت‌های فوق هم می‌دانند. نکته دیگر این است که آینده مناسبات روسیه و جمهوری آذربایجان از یک

طرف تحت تاثیر روابط باکو با واشنگتن و از طرفی هم تحت تاثیر بازار انرژی و نفت و گاز است. یعنی روس ها به دلیل رویکرد خود تلاش دارند که تمام مبادلات انرژی در منطقه بویژه مبادلات گازی را در روسیه متمرکز کنند و گاز پروم نقشی اساسی داشته باشد. لذا تلاش می کنند حضور پر رنگی در بازار انرژی جمهوری آذربایجان داشته باشند و حضور خود را تثبیت کنند.

با این وجود از نظر سیاسی روسیه و باکو همچنان در مورد توسعه نفوذ امریکا با هم اختلاف داشته و دولت حاکم باکو توسعه روابط با امریکا را به نفع منافع ملی کشورش می داند. در حالی که طرف روسیه هم این توسعه را منجر به تنگ تر شدن حلقه محاصره غرب بر ضد خود بویژه در بخش جنوبی روسیه تلقی می کند. لذا به نظر می رسد که این مساله اختلافی اساسی را در روابط دو کشور باقی می گذارد. همچنین گروه های تندرو افراطی در داغستان، چچن و قفقاز شمالی بر ضد دولت روسیه فعالیت می کنند و در برخی از موارد توسط جمهوری آذربایجان پشتیبانی می گردند. این امر نوعی اقدام متقابل از سوی باکو در مقابل حمایت مسکو از لرگی ها و تالشی ها در مقابل روسیه است. /ع

پایان پیام